

اشارات پزشکی

در پنج گنج حکیم نظامی

دکتر جواد وهاب زاده

عضو هیات علمی دانشکده های پزشکی اردبیل

□ مقدمه

در منظومه های (الف)، (هـ) و (م) نیز بارها، پزشک و پزشکی را ستوده است:
درد ستانی کُن و درمان دهی تات رسانند به فرماندهی (م)

باب دوم: در شرایط پزشک و بیمار

۱- لزوم حذقت و دانایی پزشک:
ز دانایی سلامت بهر گردد
علاج از دست نادان زهر گردد (خ)
۲- لزوم سلامتی خود پزشک:
سخن در تندرستی تندرست است
که در سُستی همه تدبیر سُست است
نشاید کرد خود را چاره ی کار
که بیمار است رأی مرد بیمار (خ)
۳- لزوم مراجعه ی پزشک بیمار به پزشک دیگر:
طیب آر چند گیرد نبض پیوست
به بیماری، به دیگر کس دهد دَست (خ)
۴- لزوم دادن شرح حال کامل از سوی بیمار:
چو می خواهی که یابی روی درمان
مکن درد از طیب خویش پنهان (خ)

الیاس بن یوسف معروف به حکیم نظامی گنجه ای، شاعر داستان سرا و رمزگوی نامدار ایران در قرن ششم هجری، علاوه بر تبخّر در ادبیات منظوم با دانش پزشکی عصر خود نیز مانوس بوده و بیش از ۳۰۰ بیت از سروده های او در رابطه با مباحث مختلف طب و درمان می باشد. این ابیات طبیبانه شامل حدود یک درصد سروده های اوست که از نظر میزان پراکندگی به ترتیب در منظومه های خسرو شیرین (خ)، اقبال نامه (الف)، هفت پیکر (هـ)، لیلی و مجنون (ل)، شرف نامه (ش) و مخزن الاسرار (م) قرار دارند.

قبل از پرداختن به موضوع «پزشکی در شعر نظامی»، ذکر چند نکته ضروری است، اول این که مطالب پزشکی پنج گنج نظامی باید با ویژگی ها و باورهای عصر او ارزیابی شود. دوم این که بعضی از اشارات طبی ممکن است مفاهیم و معانی رمزی نیز داشته باشند، ولی در این مقاله تنها از منظر پزشکی مورد توجه قرار گرفته اند، سوم این که برای رعایت اصل اختصار، در هر موضوعی فقط به یکی دو بیت بسنده شده (جمعاً ۶۵ بیت) و حتی المقدور از شرح و توضیح نیز صرف نظر شده است.

مباحث این مقاله در نُه باب اصلی تنظیم شده است که بعضی از آن ها مشتمل بر چند بخش می باشد.

باب اول، در منزلت علم پزشکی

حکیم نظامی ضمن تشویق فرزند خود به تحصیل علم طب، در منزلت طب و طبیب چنین می گوید:
تشریح نهاد خود بیاموز
کاین معرفتی ست خاطر افروز
پیغمبر گفت علمِ علمان
علم الابدان و علم الادیان
در نافِ دو علم بویِ طیب است
و آن هر دو فقیه یا طیب است
می باش طبیب عیسوی هُش
امانه طبیب آدمی کش (ل)

باب سوم، در بهداشت و پیشگیری

حکیم نظامی بر اصل مهم «تقدم پیشگیری بر درمان» واقف بوده و در این نوشته هم پیش از پرداختن به موضوع تشخیص و درمان ابتدا به موضوع بهداشت از دیدگاه نظامی در چندین بخش می پردازیم:
۱- بهداشت تغذیه
الف: اعتدال در غذا
ز بسیار و ز کم بگذر که خام است
نگهدار اعتدال اینت تمام است
دو زیرک خوانده ام کاندِر دیاری
رسیدند از قضا بر چشمه ساری
یکی کم خورد کاین جان می گزاید
یکی پُر خورد کاین جان می فزاید

چو بر حدّ عدالت ره نبردند

ز محرومی و سیری هر دو مُردند (خ)

ب: توصیه به تنوع در تغذیه:

همه لقمه شکر نتوان فرو بُرد

گهی صافی توان خوردن گهی دُرد (خ)

۲- بهداشت ازدواج:

یکی جفت تنها تو را بس بُود

که بسیار کس مرد بی کس بُود

از آن مختلف رنگ شد روزگار

که دارد پدر هفت و مادر چهار (الف)

۳- بهداشت جنسی و پرهیز از می بارگی

به چندین کنیزان وحشی نژاد

مده خرم عمر خود را به باد

نکردی تمتع نخوردی نبید

کزین هر دو گردد خرد ناپدید (الف)

۴- بهداشت پوشاک

برون کس پای از این پاچپله تنگ

که کفش تنگ دارد پای را لنگ (خ)

۵- پیشگیری از بیماری های مُسری

به کابل را ز طفل پوشند

تا خون بجوش را نخوشند (ل)

که توصیه بیست به لزوم دور نگاه داشتن کودک از فرد مبتلا به

آبله.

باب چهارم، در اهمیت تشخیص

۱- تاکید بر تشخیص صحیح قبل از شروع به درمان

درد او را دوا شناختنی ست

چون شناسی علاج ساختنی ست (ه)

۲- تاکید بر توأم کردن معاینه ی بالینی (نبض) با بررسی های

آزمایشگاهی (قاروره)

قاروره شناس نبض بفشرد قاروره شناخت رنج او بُرد (ل)

باب پنجم، در نشانه شناسی بیماری ها

در رسیدن به تشخیص، شناختن نشانه ها Signs و علائم

Symptoms بیماری ها از ضروریات است و حکیم نظامی به

نشانه شناسی برخی از بیماری ها اشاره دارد:

۱- صرع

الف: افتادن بیمار مصروع و فریاد او قبل از افتادن:

برآورد از جگر آهی شغبناک

چو مصروعی ز پای افتاد در خاک (خ)

ب: تشدید علائم صرع در نگاه کردن به ماه

شیفتم چون خری که جو ببند

یا چو صرعی که ماه نو ببند (ه)

۲- سرمازدگی و سیانوز (کبودی) ناخن ها:

به عزلت نشینان صحرای دُرد

به ناخن کبودان سرمای سَرد (الف)

۳- خناق (دیفتری) و سیانوز بیمار:

فلک سرمست بود از پویه چون پیل

خناق شب کبودش کرد چون نیل (خ)

۴- آلزایمر (زوال عقل پیری) و فراموشی در آن

ز پیری دگرگون شود رأی نغز

فراموش کاری درآید به مغز (ش)

۵- مننژیت (سرسام) و نورهراس (فوتوفوبی)

برآورد مرغ سحرگه غریو

چو سرسامی از نور و صرعی ز دیو (ش)

۶- هاری و آب هراس (هیدروفوبی)

چو عنوان گاه عالم تاب را دید

تو گفتی سگ گزیده آب را دید (خ)

۷- فلج و اختلال حرکتی در آن

عضوی که مخالفت پذیرد فرمان تو را به خود نگیرد (ل)

۸- کژدم زدگی و تشدید علائم آن با خوردن کرفس

زهری ست به قهر نفس دادن کژدم زده را کرفس دادن (ل)

۹- تب و سودا و تشدید علائم آن ها با خوردن حلوا و شیرینی

ولی تب کرده را حلوا چشیدن

نیرزد سال ها صفراکشیدن

مکن سودا که شیرین، خشم ریزد

ز شیرینی، به جز صفرا چه خیزد (خ)

۱۰- تشدید علائم بیماری ها در شب

خوش است این داستان در شأن بیمار

که شب باشد هلاک جان بیمار

بُود بیماری شب جان سپاری

ز بیماری بتر بیماری داری (خ)

باب ششم، در اهمیت درمان به موقع

بینایی دیده چون بریزد

از دادن توتیا چه خیزد

چون سیل خراب کرد بنیاد

دیوار چه کاهگل چه فولاد (خ)

باب هفتم، در انواع دارو و درمان

در شفاخانه ی نظامی انواع درمان ها از جمله داروهای گیاهی،

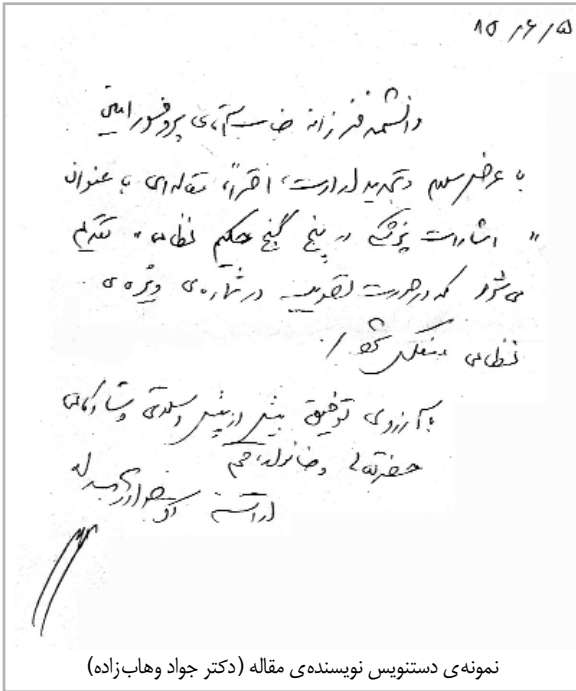
داروهای کانی، درمان های جراحی، تدابیر روان پزشکی و درمان های

فیزیوتراپی یافت می شود.

۱- داروهای گیاهی

فرآورده های گیاهی از گذشته های دور در معالجات بیماری های

مختلف کاربرد داشته و نظامی با آگاهی به این موضوع چنین می گوید:



نمونه‌ی دستنویس نویسنده‌ی مقاله (دکتر جواد وهاب‌زاده)

تا هست دُرست گنج و کان‌هاست

- چون خُرد شود دَوای جان‌هاست (ل)
 بعضی از عناصر کانی که در **خمسه‌ی** نظامی بدان‌ها اشاره شده، عبارتند از:
- الف- **جیوه** (سیماب = زیبق)
 فلز مایعی که هم اثرات سمی در گوش دارد و هم اثرات درمانی. صهیل تازیان آتشین جوش زمین را ریخته سیماب در گوش (خ) به سنگرف (سولفور جیوه) هم‌چنین اشاره شده است: بیا ساقی آن زیبق تافته به سنگرف کاری عمل یافته بده تا در ایوان بارش برم چو سنگرف سوده به کارش برم (ش)
 ب- **توتیا** (اکسید روی)، تقویت‌کننده‌ی بینایی ست. ای خاک تو توتیای بینش روشن به تو چشم آفرینش (ه)
 ج- **مومیا** (نوعی هیدروکربور نفتی) درمان شکستگی‌هاست. فلک تا نشکند پشت دوتایی به کس ندهد یک جو مومیایی (خ)
 د- **یاقوت**: نوعی سنگ قیمتی که بنا به عقیده‌ی قدما درمان وباست. دل راست کن از بلا میندیش یاقوت خور از ویا میندیش (ه)
 ه- **گل سرشوی** و اثر خوب آن در زیبایی مو. گل سرشوی از این معنی که پاک است به سر بر کنندش، گرچه خاک است (خ)
 و- **صدف**: مروارید درون صدف را مایه‌ی سفیدی دندان می‌دانستند. وان دو سه تن کرده ز بیم و امید زان صدف سوخته دندان سپید (م)

نروید از زمین هرگز گیاهی

- که بر برگش نبنوشته دَوایی
 چو عیسی هر که دارد توتیایی
 ز هر بیخی کند دارو گیاهی (خ)
 گیاهانی که نظامی به خواص درمانی آن‌ها اشاره می‌کند، به شرح زیر است:
- الف- **گلاب**
 بیا ساقی امشب به می کن شتاب
 که با دُرِد سر واجب آمد گلاب (ش)
 ب- **زعفران** و اثر خنده‌آوری و تاثیر سوء مصرف زیاد آن
 چو بی‌زعفران گشته‌یی خنده‌ناک
 مخور زعفران تا نگردي هلاک (ش)
 ج- **تباشیر** و خاصیت ضد تب آن
 تا نشوی تشنه به تدبیر باش
 سوخته خرمن چو تباشیر باش (م)
 د- **عنبر** و اثر مفرح آن
 آن عنبرتر ز بهر سودا می کرد مفرحی مهیا (ه)
 ه- **انار** و تشبیه دانه‌های آن به نقل (گرانول) شفا بخش
 آب از دل باغبان خورد نار
 باشد که خورد چو نقل بیمار (ل)
 و- **کافور** و صندل و خاصیت ضد سودایی آن‌ها
 شاخ صندل شمامه‌ی کافور
 از دلش کرد رنج سودا دور (ل)
 ز- **تلخک** و ترشک: گیاه تلخک برخلاف گیاه ترشک که اثرات درمانی دارد، گیاهی ست سمی. بسا حاجی که خود را از اشتر انداخت که ترشک را ز تلخک باز نشناخت (خ)
 ح- **اشک مو**: مایعی ست که از محل برش شاخه‌های درخت انگور در فصل بهار خارج می‌شود و در درمان ورم ملتحمه و ناخنک چشم موثر است. از نویی انگور بود توتیا و ز کهنی مار شود اژدها (م)
 ط- **عود**، گرچه تلخ است، ولی اثرات درمانی خوبی دارد. بدان تلخی که شیرین کرد روزش چو عود تلخ شیرین بود سوزش (خ)
 ی- **سیب**، خوردن و بویدن سیب مفرح قلب است. به کف بر نهاد آن نوازنده سیب به بویی همی داد جان را شکیب (الف)
 گیاهان دیگری که در **پنج گنج** نظامی مورد اشاره قرار گرفته‌اند، عبارتند از: **حنظل**، **هلیله**، **هلاهل**، **خون سیاوشان**، **اسپرغم** (ریحان)، **انجیر خام**، **تریاک**، **نوش گیاه** و **کرفس** که برای پرهیز از اطاله‌ی کلام از آوردن ابیات مربوطه صرف نظر می‌شود.
- ۲- داروهای کانی
 درباره‌ی اثرات مواد کانی در درمان، حکیم نظامی می‌فرماید:

۳- درمان‌های جراحی

الف - آمپوتاسیون (قطع عضو) در کژدم‌زدگی از بالای محل زخم جهت پیشگیری از سرایت سم به قسمت‌های بالاتر و گانگرنه‌شدن عضو.

چون مار گزیده گردد انگشت

واجب شودش بریدن از مشت (ه)

ب- حجامت (آنجیدن) که یکی از درمان‌های رایج در طب قدیم است.

علاج‌الرأس او آنجیدن گوش

دم الاخوین او خون سیاوش (خ)

۴- فیزیوتراپی: پوشاندن لباس آبی‌رنگ به کسی که یرقان

(زردی) دارد. در طب نوین امروز هم از نور آبی‌رنگ در درمان یرقان

نوزاد استفاده می‌شود. (فرتوتراپی)

هر نگاری که زرد بود بدنش

۵- روان‌درمانی: تلقین، در داستانی از منظومه‌ی هفت پیکر

پیرزنی با دادن آش دروغین (مزور) بیماری را درمان می‌کند.

تا همان پیرزن دوا بشناخت

پیرزن وارم از دوا بنواخت

درد و غم را مزوری فرمود

داشت ناخوردن آن مزور سود (ه)

در طب نوین هم داروی دروغین که دارونما Placebo نامیده

می‌شود، کاربردهای مختلف دارد.

باب هشتم: در پرهیز

الف- رعایت پرهیز در سلامتی و بیماری

پرهیز نه دفع یک گزند است در راحت و رنج سودمند است

در راحت ازو ثبات یابند و ز رنج بدو نجات یابند (ل)

ب- پرهیز از نمک، نکوهش افراط در خوردن آن

خورش‌ها را نمک، رو تازه دارد

نمک باید که نیز اندازه گردد (خ)

ج- پرهیز از غذاهای ناسازگار در یک وعده‌ی غذایی

چو با سرکه‌سازی مشو شیرخوار

که با شیر سرکه بود ناگوار (خ)

باب نهم: قبول مرگ

حکیم نظامی مرگ را به‌عنوان یک واقعیت که باید آن را پذیرفت،

می‌داند و تلویحاً توصیه می‌کند که پزشک نباید از شکست درمانی

سرخورده شود.

۱- دوا گر بود هم‌چو آب حیات

وفا چون کند چون درآید وفات

طیبیب ار چه داند مداوا نمود

چو مدت نماند، از مداوا چه سود (الف)

۲- نشاید شدن مرگ را چاره‌ساز

در چاره بر کس نکردند باز

تب مرگ چون قصد مردم کند

علاج از شناسنده، پی گم کند (الف)

۳- وگر خود علم جالینوس دانی

چو مرگ آید به جالینوس مانی (خ)

عنایت به مطالب گفته شده در این مقاله وجه نثار لقب «حکیم»

به این شاعر نامدار را به خوبی توجیه می‌کند، لقب و عنوانی که سابقاً

در ایران و حتا اکنون در ایران شمالی (جمهوری آذربایجان) مختص

پزشک است. ■

منابع و ماخذ

۱- نظامی گنجوی، مجله‌های شش‌گانه، انتشارات آتلیه هنر، محمد سلحشور، تهران، ۱۳۷۱.

۲- مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، تهران، ۱۳۷۱، علی‌اکبر باقری خلیلی، دکتر بهروز ثروتیان، دکتر فاطمه علاقه

۳- نشریه‌ی فرهنگ، خمسه‌ی نظامی از دیدگاه پزشکی، نورالدین شازده احمدی.

۴- لغت‌نامه‌ی دهخدا. ۵- فرهنگ فارسی معین.

نظامی گنجوی

به مناسبت برگزاری کنگره‌ی نظامی گنجوی

زنده‌یاد دکتر تراب بصیری (بینا)

دارم بسی درود ز یاران معنوی

بر شاعر گزیده نظامی گنجوی

فرزانه‌یی که مانده از او گنج شایگان

دارد به سرزمین ادب فرّ خسروی

در ملک شعر باشد، گوینده‌یی به نام

در گفت خویش دارد، گفتار پهلوی

گوینده‌یی بزرگ که دارد کلام او

آهنگ روح‌پرور ابیات مثنوی

شور و نوای عشق رساند به گوش دل

گر گفته‌های دلکش زیباش بشنوی

اشعار نغز او که بود خوب چون شکر

باشد نظیر سعدی و هم‌وزن مولوی

او را ستوده‌اند به دانایی و خرد

مانند اوستاد سخن‌میرده‌لوی

در پنج گنج خویش نهاده است سیم و زر

وی را نبوده است به سر آجر دنیوی

«بینا» ثنای شاعر گوید به راستی

هم‌چون ندای موسی و انفاس عیسوی

«هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق»

باشد همیشه زنده به الطاف معنوی

حافظ: با تشکر از دکتر هوشنگ بدیعی پزشک عالی‌قدر که

نسخه‌یی از «اشعار پراکنده»ی این شاعر شیرازی که به اهتمام ایشان به

چاپ رسیده است، به حافظیان، هدیه کرد. پیش از این نیز به پایمردی دکتر

مهدی پرهام یادی از این شاعر در صفحات همین مجله کرده بودیم.